

مقاله پژوهشی اصیل

شیوه‌های دلبستگی و ارتباط آن با مدل‌های خود و دیگران، و صفات شخصیتی دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی

عزیزه افخم ابراهیمی^۱

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر بهروز بیرشک

دانشگاه علوم پزشکی ایران

ناهید مکنون

دانشگاه علوم پزشکی ایران

هدف: در طول یک دهه اخیر، شواهد روزافزون نشان داده‌اند که جهت‌گیری‌های دلبستگی طرز فکر و احساسات مردم را درباره روابط رومان‌تیک خود عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر طبق مدل دوعاملی دلبستگی رومان‌تیک بارتولومئو و هورویتز، مدل‌های درونی «خود» و «دیگران» ابعاد نسبتاً مستقلی هستند که در ترکیب با یکدیگر چهار شیوه دلبستگی رومان‌تیک بزرگسالی را تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: شیوه دلبستگی رومان‌تیک امن، شیوه دلبستگی رومان‌تیک بی‌اعتنا، شیوه دلبستگی نگران، و شیوه دلبستگی رومان‌تیک ترسو. **هدف:** پژوهش حاضر، به عنوان بخشی از پروژه بین‌المللی توصیف سکسوالیته در ایران، با همکاری دانشگاه برادلی ابعاد فرهنگی دلبستگی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. **روش:** ۲۰۰ دانشجوی پسر و دختر دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی ایران با روش نمونه‌گیری آسان انتخاب شدند و پرسشنامه‌های شیوه‌های دلبستگی و صفات شخصیتی را پر کردند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان‌دهنده غلبه شیوه دلبستگی امن در مقایسه با سه شیوه دیگر دلبستگی در جامعه پژوهش بود. دختران و پسران تفاوتی در شیوه‌های دلبستگی نداشتند. همبستگی بین شیوه‌های دلبستگی، و مدل‌های خود و دیگران با نتایج به‌دست‌آمده در بیشتر فرهنگ‌ها همخوانی داشت. بین شیوه‌های دلبستگی امن و بی‌اعتنا با صفات تیره شخصیت همبستگی معناداری به‌دست نیامد، و بین شیوه شخصیتی نگران و شخصیت‌های ماکیاوولی و سایکوپات همبستگی معناداری دیده شد. زنان در صفت شخصیتی خودشیفتگی و مردان در صفت سایکوپاتی تفاوت معناداری با یکدیگر داشتند. **بحث:** فراوانی زیاد شیوه دلبستگی امن و رابطه شیوه‌های دلبستگی با مدل‌های درونی خود و دیگران در جامعه دانشجویی ایرانی با بیشتر فرهنگ‌های غربی و شرقی مشابهت دارد و شیوه دلبستگی امن را به عنوان یک شیوه تقریباً جهانی در روان‌شناسی انسان، واجد شرایط می‌نماید. با وجود این، نتایج متفاوتی که با بعضی فرضیات پروژه به‌دست آمد، ضرورت احتیاط در نتیجه‌گیری بر اساس اطلاعات خودگزارشی و آزمون‌های مورد استفاده و نیز تعمیم یافته‌ها به سایر قشرهای جامعه ایران را ایجاب می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های دلبستگی، مدل‌های خود و دیگران، صفات شخصیتی، دانشجویان علوم پزشکی

مقدمه

در طول دهه اخیر، شواهد روزافزون نشان داده‌اند که جهت‌گیری‌های دلبستگی طرز فکر و احساسات مردم را در زمینه

روابط رومان‌تیک خود عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس نظریه دلبستگی بالبی^۲ (لیبرت^۳ و لیبرت، ۱۹۹۸) انسان‌ها دارای سیستم رفتاری انگیزشی هستند که در کودکی ظهور می‌کند و

2- Bowlby

3- Liebert

۱- نشانی تماس: تهران، ستارخان، خیابان نیاپش، جنب خیابان شهید منصوری.

Email: afkhami@iums.ac.ir

برای محافظت کودکان در گذر از مراحل مشخص رشد آنها طراحی شده است. این سیستم دلبستگی مکانیسم سازگارانهای است که نزدیکی فیزیکی و دسترسی کودکان به مدل‌های دلبستگی حمایت‌کننده خود را تنظیم می‌نماید. افکار و احساساتی که در نتیجه تجارب دلبستگی اولیه در کودک ایجاد می‌شود، به مدل‌های کارآمد درونی یا نگرش‌های شناختی - هیجانی تبدیل و موجب می‌شود کودک «خود» را ارزشمند و دوست‌داشتنی (مدل خود مثبت) و دیگران را ارزشمند و قابل‌اعتماد (مدل دیگران مثبت)، و یا «خود» را بی‌کفایت و حساس به طرد (مدل خود منفی) و دیگران را غیرقابل‌اعتماد و بی‌ارزش (مدل دیگران منفی) تلقی نماید. با شروع کار اینسورث^۱ (اشمیت^۲، ۲۰۰۳)، روان‌شناسان رشد مستمراً دریافته‌اند که محیط‌های مراقبت‌کننده و حمایتی سالم‌ترین و امن‌ترین تجارب دلبستگی را برای کودکان فراهم می‌کنند، در حالی که مراقبت سهل‌انگارانه و ناهماهنگ منجر به شیوه‌های دلبستگی ناامن و عملکرد بین‌فردی ناسالم می‌شود. شواهد همچنین نشان می‌دهند که شیوه‌های دلبستگی اولیه توانایی ما را در برقراری ارتباط شخصی نزدیک تا زمان بزرگسالی تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (همان منبع). برای مثال، شیوه‌های دلبستگی (هم امن و هم ناامن) تأثیری پایدار بر روابط والد - فرزند، روابط همسالان و دوستی‌ها، پویایی‌های معلم - شاگرد و تعاملات درمانی دارند (کرک - پاتریک^۳ و دیویس^۴، ۱۹۹۴).

پژوهش‌ها همچنین به‌طور پیوسته وجود دو بعد «خود» و «دیگران» را به ثبوت رسانده‌اند که زیربنای تفاوت‌های فردی در عملکرد سیستم دلبستگی را تشکیل می‌دهند (سیبلی^۵، ۲۰۰۷). بر طبق مدل دوعاملی دلبستگی رمانیتک بارتولومئو^۶ و هورویتز^۷ (۱۹۹۱) مدل‌های درونی «خود» و «دیگران» ابعاد نسبتاً مستقلی هستند که در ترکیب با یکدیگر چهار شیوه دلبستگی رومانیتک بزرگسالی را تشکیل می‌دهند. این شیوه‌ها عبارت‌اند از: شیوه دلبستگی رومانیتک امن^۸، شیوه دلبستگی رومانیتک بی‌اعتنا^۹، شیوه شیوه دلبستگی نگران^{۱۰} و شیوه دلبستگی رومانیتک ترسو^{۱۱}.

تنوع در جهت‌گیری دلبستگی بزرگسالی، به الگوهای اختلاف و فشار روانی در روابط رومانیتک، رضایت و توازن

رومانیتک و همین‌طور دوره زمانی روابط رومانیتک، ربط داده شده است. به طور کلی افراد دارای شیوه‌های دلبستگی امن، تعارض کمتر، رضایت بیشتر، ثبات بیشتر و دوره طولانی‌تری را در روابط رومانیتک خود تجربه می‌کنند، و افراد دارای شیوه‌های دلبستگی ناامن، تعارض بیشتر، رضایت کمتر، ثبات کمتر و دوره‌های کوتاه‌تر روابط رومانیتک را تجربه می‌کنند (اشمیت، ۲۰۰۳).

با وجود اینکه بسیاری از پژوهشگران دلبستگی، روند رشد دلبستگی را در تمام فرهنگ‌های انسانی یکسان تلقی می‌کنند، اما بعضی ادعا کرده‌اند که فرضیات اصلی نظریه دلبستگی به روش تفکر غربی سوگیری دارد. از آنجا که مدل دوبعدی و چهار مقوله‌ای دلبستگی رومانیتک به طور وسیع در فرهنگ‌های غیرغربی بررسی نشده (سومر^{۱۲} و گانگور^{۱۳}، ۱۹۹۹)، و به علاوه مدل دلبستگی رومانیتک نگران در فرهنگ‌های آسیای شرقی بیشتر گزارش شده است، و نیز تحقیقات بسیار محدودی ارتباط بین صفات شخصیتی تیره (خودشیفتگی، سایکوپاتی کمتر از آستانه اختلال^{۱۴} و ماکیاولیسم) را با شیوه‌های دلبستگی و نگرش‌ها و رفتارهای وابسته به جنسیت بررسی کرده‌اند، اهداف پژوهش حاضر که به عنوان بخشی از پروژه بین‌المللی توصیف سکسوالیته^{۱۵} در ایران، با همکاری دانشگاه برادلی^{۱۶} انجام می‌گیرد، به ترتیب عبارت‌اند از: (۱) تعیین فراوانی و مقایسه شیوه‌های دلبستگی (امن، بی‌اعتنا، نگران و ترسو) در دو جنس؛ (۲) رابطه شیوه‌های دلبستگی با مدل خود و دیگران؛ (۳) رابطه شیوه‌های دلبستگی با صفات شخصیتی تیره (خودشیفته، ماکیاولیسم و سایکوپات) و (۴) مقایسه صفات شخصیتی تیره در دو جنس.

1- Ainsworth
3- Kirkpatrick
5- Sibley
7- Horowitz
9- dismissing
11- fearful
13- Gungor
15- International Sexuality Description Project
16- Bradley University

2- Schmitt
4- Davis
6- Bartholomew
8- secure
10- preoccupied
12- Sumer
14- subclinical

روش

آزمودنی‌ها

نمونه پژوهش را ۲۰۰ دانشجوی (۱۰۰) دانشجوی دختر و ۱۰۰ دانشجوی پسر) از دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی ایران تشکیل می‌دادند که به دلیل سهولت دسترسی و همکاری بیشتر انتخاب شدند. طبق هماهنگی با طراح پژوهش در دانشگاه برادلی، این دانشجویان با روش نمونه‌گیری آسان و با استفاده از آزمودنی‌های دردست‌رس انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش دامنه سنی ۱۸ تا ۲۷ بود.

ابزارها

در این پژوهش از چهار پرسشنامه ترجمه‌شده استفاده شد که نسخه اصلی آنها را طراح پژوهش دانشگاه برادلی برای نویسندگان مقاله ارسال کرده بود. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه‌ها در جامعه ایرانی موجود نیست، و روایی و پایایی نسخه‌های خارجی آنها گزارش شده است.

مقیاس دلبستگی رومانتیک: این مقیاس دوبعدی و چهارمقوله‌ای دلبستگی رومانتیک بزرگسالی که پرسشنامه ارتباط^۱ نامیده می‌شود، به وسیله بارتولومئو و هورویتز (۱۹۹۱) ساخته شده است. این مقیاس دلبستگی شامل یک مقیاس دلبستگی رومانتیک امن تک‌ماده‌ای و سه مقیاس دلبستگی ناامن تک‌ماده‌ای است. هر مقیاس تک‌ماده‌ای از طرح کلی درجه‌بندی لیکرت هفت‌نمره‌ای استفاده می‌کند که دامنه آن از یک («شامل حال من نمی‌شود») تا هفت («کاملاً وصف حال من است») قرار دارد و عدد چهار نقطه وسط هر مقیاس است. ما از این مقیاس دلبستگی رومانتیک بی‌اعتنا استفاده کردیم چون نسبتاً کوتاه است، در بسیاری از مطالعات اعتباریابی شده و برای آزمون ارتباط دلبستگی با ملاک‌های فرهنگی بیرونی کارآیی داشته است. اگرچه ممکن است بعضی از افراد آن را محدودیت مطالعه حاضر بدانند، اما مقیاس‌های تک‌ماده‌ای از نظر روان‌سنجی به‌طور فزاینده به عنوان شکل‌های ساده‌تر مقیاس‌های چندماده‌ای طولانی‌تر و زائدتر کاربرد یافته‌اند. در انگلیسی ماده کامل دلبستگی بی‌اعتنا در پرسشنامه ارتباط چنین خوانده می‌شود:

«من بدون داشتن روابط عاطفی نزدیک احساس راحتی می‌کنم.»

کنم. برای من بسیار مهم است که احساس استقلال و خودکفایی کنم و ترجیح می‌دهم به دیگران وابسته نباشم یا باعث نشوم دیگران به من وابسته بشوند».

مدل‌های خود و دیگران: ارزش عددی مدل «خود» با محاسبه حاصل جمع سؤال‌های اول و دوم مقیاس دلبستگی رومانتیک و تفریق آن از حاصل جمع سؤال‌های سوم و چهارم، و مدل «دیگران» با محاسبه حاصل جمع سؤال‌های اول و سوم و تفریق آن از حاصل جمع سؤال‌های دوم و چهارم به دست می‌آید.

پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI)^۲: یک پرسشنامه انتخاب انتخاب اجباری ۴۰ ماده‌ای است که راسکین^۳ و هال^۴ (۱۹۷۹) آن را ساخته‌اند. ماده‌های این پرسشنامه در مطابقت با معیارهای DSM^۵ در مورد اختلال شخصیت خودشیفته انتخاب شده‌اند. پرسشنامه شخصیت خودشیفته علاوه بر آسیب‌شناسی شخصیت خودشیفته، برای ارزیابی جنبه‌های خودشیفته شخصیت سالم طراحی شده است. پاسخ‌گو موظف است برای هر ماده یکی از دو پاسخ را انتخاب کند. انتخاب‌ها به عنوان خودشیفته یا غیرخودشیفته نمره‌گذاری شده‌اند. دو ماده نمونه عبارت‌اند از:

۱. (الف) من می‌توانم چیزهای زیادی از سایرین یاد بگیرم،

یا

(ب) مردم می‌توانند چیزهای زیادی از من یاد بگیرند.

۲. (الف) من برای به دست آوردن احترامی که سزاوار آنم

پافشاری می‌کنم،

یا

(ب) من معمولاً احترامی را که مستحق آن هستم به دست

می‌آورم.

پایایی پرسشنامه شخصیت خودشیفته مناسب است. راسکین و هال (۱۹۷۹) میزان پایایی را از طریق دونیمه کردن ۰/۸۰ به دست آوردند. برای به دست آوردن اعتبار این پرسشنامه، NPI و پرسشنامه میلون^۶ در ۵۰ بیمار بستری با تشخیص‌های بالینی مختلف اجرا شد که

1- Relationship Questionnaire 2- Narcissistic Personality Inventory
3- Raskin 4- Hall
5- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
6- Millon

که بین نمرات NPI و میلون ارتباطات معناداری به دست آمد ($r=0/66$) که دال بر اعتبار مقیاس مورد نظر است (کرگ^۱ ۱۹۹۳).

مقیاس ماک چهار^۲: این مقیاس ۲۰ ماده‌ای را کریستی^۳ برای برای ارزیابی بزرگسالان ۱۸ تا ۶۵ ساله ساخته است، اما از آن زمان به بعد در آن تجدیدنظر نشده است (جاکوبویتز^۴ و اگان^۵، ۲۰۰۵). ماک چهار برای اندازه‌گیری جهت‌گیری شخصیت سیاسی رهبران در سازمان‌ها ساخته شده بود. شخصیت سیاسی، بنا به تعریف کریستی و گیز^۶ (۱۹۷۰)، همان منبع موقعیتی است که در آن از قدرت رسمی و غیررسمی برای کنترل یا دست‌کاری دیگران استفاده شده است. برای ارزیابی پایایی ماک چهار، این مقیاس روی نه جمعیت نمونه اجرا شد و میانگین پایایی آن با روش دونیمه کردن ۰/۷۹ به دست آمد. به منظور ارزیابی روایی ماک چهار، کریستی و همکارانش اعتبار همگرا^۷ و متمایزکننده^۸ را با مقیاس‌های شخصیتی متعدد بررسی کردند و شواهدی دال بر قابلیت متمایزکننده و تفاوت ساختاری این مقیاس با سایر مقیاس‌ها یافتند که اعتبار مقیاس مورد نظر را نشان می‌دهد.

مقیاس خودگزارشی پسیکوپاتی^۹ نسخه سوم (SRP-III): نسخه‌های اولیه این پرسشنامه را هیر^{۱۰} (ویلیامز^{۱۱} و پل‌هاس^{۱۲}، ۲۰۰۴) و آخرین نسخه آن را فورت^{۱۳} (۱۹۹۶)، همان منبع ساخته است. این پرسشنامه که دارای ۳۱ ماده است، ساختار اختلال شخصیت ضداجتماعی را ارزیابی می‌کند و ارتباط نظری نزدیک با نسخه تجدیدنظرشده فهرست وارسی پسیکوپاتی^{۱۴} (PCL-R) دارد. بیشتر کارهایی که در زمینه اعتباریابی این پرسشنامه شده، در نمونه‌های بالینی یا قانونی است. هیر (۱۹۹۱) در نمونه‌ای که شامل ۱۰۰ زندانی بود، بین مقیاس پسیکوپاتی و PCL-R همبستگی ۰/۵۴ گزارش کرد. در ارتباط با DSM-IV، این مقیاس به خوبی هر ابزار خودگزارشی دیگر عمل کرده است. استفاده از مقیاس پسیکوپاتی به تمایز سایکوپات‌های زیرآستانه اختلال از سایر شخصیت‌های تیره (مانند خودشیفته‌ها و ماکیاولی‌ها) نیز کمک کرده است (ویلیامز و پل‌هاس، ۲۰۰۴) که اعتبار متمایزکننده آن را نشان می‌دهد. پایایی آن در بازآزمایی از ۰/۷۷ تا ۰/۸۹ گزارش شده است.

نخست پرسشنامه‌های مورد نظر به وسیله دو متخصص

روان‌شناسی بالینی کاملاً آشنا به زبان انگلیسی به طور مستقل ترجمه و شکل نهایی آن آماده شد و با توجه به همکاری دانشگاه برادلی و مسؤول هماهنگی آن (دکتر اشمیت) ضمن تماس‌هایی که به وسیله پست الکترونیکی برقرار شد، درستی و نادرستی کار، بررسی و اصلاحات پیشنهادی اعمال شد. سپس با مسؤولان دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی هماهنگی اداری به عمل آمد و پرسشگران طرح که قبلاً درباره روش اجرای پرسشنامه‌ها آموزش دیده بودند، در ساعات بین کلاس‌ها در دانشکده‌ها یا در خوابگاه‌های دانشجویی حضور یافته و ضمن برقراری ارتباط با دانشجویان و توضیح کوتاه درباره هدف طرح از دانشجویان مایل به شرکت در طرح، پس از اخذ رضایت‌نامه کتبی (برگه رضایت‌نامه به سایر پرسشنامه‌های مورد استفاده پیوست شده بود) برای تکمیل پرسشنامه‌ها دعوت به عمل آمد و این روند تا جمع‌آوری ۲۰۰ داوطلب دختر و پسر ادامه یافت.

اطلاعات تمام پرسشنامه‌ها به برنامه SPSS^{۱۵} انتقال یافت و برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، اندازه‌گیری مکرر^{۱۶}، همبستگی پیرسون^{۱۷}، و آزمون تی استفاده شد.

سپس یافته‌های این طرح به دانشگاه برادلی ارسال شد تا در کنار یافته‌های سایر کشورهای شرکت‌کننده در این پروژه (در حال حاضر ۶۲ کشور) تجزیه و تحلیل شود و در گزارش‌های گسترده (که تا کنون نیز انجام شده است) در اختیار دانش‌پژوهان قرار گیرد. نتایج این پژوهش در بیست و نهمین کنگره بین‌المللی روان‌شناسی که ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۸ در برلین برگزار می‌شود، ارائه خواهد شد.

- | | |
|--|-------------------|
| 1- Craig | 2- MACH 4 scale |
| 3- Christie | 4- Jakobwitz |
| 5- Geis | 6- Egan |
| 7- convergent | 8- discriminating |
| 9- Self-Report Psychopatny Scale | |
| 10- Hare | 11- Williams |
| 12- Paulhus | 13- Fort |
| 14- Psychopathy Checklist-Revised | |
| 15- Statistical Package of Social Sciences | |
| 16- repeated measure | |
| 17- Pearson | |

یافته‌ها

سوم پژوهش). ملاحظه می‌شود که شیوه‌های شخصیتی «امن» و «بی‌اعتنا» با صفات شخصیتی تیره همبستگی معناداری ندارند. بین شیوه شخصیتی نگران و صفات شخصیتی «ماکیاولیسم» و «پسیکوپاتی» رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین صفت شخصیتی خودشیفته و ماکیاولیسم همبستگی وجود ندارد و بین صفت شخصیتی خودشیفته و پسیکوپاتی همبستگی منفی و معنادار مشاهده می‌گردد. همبستگی بین صفات شخصیتی ماکیاولیسم و سایکوپاتی مثبت و معنادار است.

مقایسه صفات شخصیتی تیره در مردان و زنان با روش آزمون تی در جدول ۶ نشان داده شده است (پرسش آخر پژوهش). مقایسه میانگین‌های صفات شخصیتی خودشیفتگی و پسیکوپاتی در دو جنس تفاوت‌های معناداری بین مردان و زنان آزمودنی نشان می‌دهد. زنان صفات خودشیفتگی بیشتری از مردان و مردان صفات پسیکوپاتی بیشتری از زنان را گزارش داده‌اند. اما از لحاظ صفت شخصیتی ماکیاولیسم، بین مردان و زنان تفاوتی مشاهده نمی‌شود.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی شیوه‌های دلبستگی

نوع شیوه دلبستگی	میانگین	انحراف معیار
امن	۴/۷۷	۱/۶۰
بی‌اعتنا	۴/۲۵	۱/۶۶
نگران	۳/۷۵	۱/۹۲
ترسو	۳/۸۹	۱/۷۸

جدول ۱ آماره‌های توصیفی شیوه‌های دلبستگی در جمعیت مورد بررسی را نشان می‌دهد (سؤال اول پژوهش). ملاحظه می‌شود که میانگین شیوه دلبستگی امن از میانگین سایر شیوه‌ها بیشتر است. مقایسه شیوه‌های دلبستگی با روش اندازه‌گیری مکرر و آزمون تعقیبی بون‌فرونی^۱ (جدول ۲) نمایانگر تفاوت معنادار شیوه دلبستگی امن و سه شیوه دیگر دلبستگی ($\alpha < 0/0001$) و همین‌طور تفاوت معنادار بین شیوه شخصیتی بی‌اعتنا و نگران است ($\alpha < 0/05$).

جدول ۳ رابطه شیوه‌های دلبستگی با مدل‌های خود و دیگران را با روش همبستگی پیرسون نشان می‌دهد (سؤال دوم پژوهش). ملاحظه می‌شود که شیوه دلبستگی «امن» با مدل‌های «خود» و «دیگران» رابطه مثبت معنادار ($\alpha < 0/01$)؛ شیوه دلبستگی «بی‌اعتنا» با مدل «خود» همبستگی منفی معنادار و با مدل «دیگران» رابطه مثبت معنادار دارد. شیوه دلبستگی «نگران» با مدل «خود» همبستگی منفی معنادار، با مدل «دیگران» همبستگی مثبت معنادار، و شیوه دلبستگی «ترسو» با هر دو مدل «خود» و «دیگران» یک همبستگی منفی معنادار دارد.

جدول ۴، همبستگی شیوه‌های دلبستگی با صفات شخصیتی تیره (خودشیفته، ماکیاولی و سایکوپات) را نشان می‌دهد (سؤال

جدول ۲- مقایسه شیوه‌های دلبستگی با روش اندازه‌گیری مکرر

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
محور مختصات	۱۲۲۳۶/۱۱۵	۱	۱۲۲۳۶/۱۱۵	۳۸۰۹/۲۶	۰/۰۰۰۱
خطا	۵۶۲/۱۳	۱۹۷	۳/۲۱		

1- Bonferroni post-hoc Test

جدول ۳- مقایسه دو - به - دو شیوه‌های دلبستگی با آزمون تعقیبی بون‌فرونی

عوامل	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار	سطح معناداری
*۱			
۲	۰/۵۲۸	۰/۱۶۵	۰/۰۱
۳	۱/۰۲۸	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱
۴	۰/۸۸۱	۰/۱۹۷	۰/۰۰۱
*۲			
۱	-۰/۵۲۸	۰/۱۶۵	۰/۰۱
۳	۰/۵۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۵
۴	۰/۳۵۲	۰/۱۷۹	۰/۳۰
*۳			
۱	-۱/۰۲۸	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱
۲	-۰/۵۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۵
۴	-۰/۱۴۸	۰/۱۷۹	۱
*۴			
۱	-۰/۸۸۱	۰/۱۹۷	۰/۰۰۱
۲	-۰/۳۵۲	۰/۱۷۹	۰/۳۰
۳	۰/۱۴۸	۰/۱۷۹	۱

۱- امن، ۲- بی‌اعتنا، ۳- نگران، ۴- ترسو

جدول ۴- همبستگی شیوه‌های دلبستگی با مدل «خود» و «دیگران»

شیوه‌های دلبستگی	مدل «خود»	مدل «دیگران»
امن		
همبستگی پیرسون	۰/۵۷۷**	۰/۴۸۴**
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
بی‌اعتنا		
همبستگی پیرسون	۰/۴۳۸**	-۰/۴۶۵**
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
نگران		
همبستگی پیرسون	-۰/۶۰۱**	۰/۴۳۷**
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
ترسو		
همبستگی پیرسون	-۰/۶۰۲**	-۰/۵۴۴**
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۵- همبستگی شیوه‌های دلبستگی با صفات شخصیتی تیره (مثلث تیره)

شیوه‌های دلبستگی و صفات شخصیتی تیره	خودشیفته	ماکیاولیسم	سایکوپاتی
امن			
همبستگی پیرسون	-۰/۰۰۵	۰/۱۰۵	۰/۱۰۹
سطح معناداری	۰/۹۴۴	۰/۱۶۴	۰/۱۵۲
بی‌اعتنا			
همبستگی پیرسون	۰/۰۶۸	۰/۰۲۹	۰/۰۹۳
سطح معناداری	۰/۳۸۱	۰/۷۰۶	۰/۲۱۸
نگران			
همبستگی پیرسون	۰/۰۰۴	۰/۳۰۳**	۰/۱۶۸*
سطح معناداری	۰/۹۵۶	۰/۰۰۱	۰/۰۲۶
ترسو			
همبستگی پیرسون	-۰/۰۱۷	۰/۱۱۸	۰/۰۶۹
سطح معناداری	۰/۸۲۲	۰/۱۱۸	۰/۰۰۳
خودشیفته			
همبستگی پیرسون	۱	۰/۰۰۵	-۰/۱۹۳*
سطح معناداری		۰/۹۵۴	۰/۰۱۲
ماکیاولیسم			
همبستگی پیرسون	۰/۰۰۵	۱	۰/۲۳۰**
سطح معناداری	۰/۹۵۴		۰/۰۰۲
پسیکوپاتی			
همبستگی پیرسون	-۰/۱۹۳	۰/۲۳۰*	۱
سطح معناداری	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است

جدول ۶- مقایسه میانگین‌های صفات شخصیتی تیره در زنان و مردان

صفات شخصیتی	F	سطح معناداری	t	درجه آزادی	سطح معناداری
خودشیفته	۰/۰۰۱	۰/۹۸۱	-۲/۷۴	۱۹۸	۰/۰۰۷**
ماکیاولیسم	۴/۱۹۹	۰/۰۴۲	-۰/۶۹۸	۱۹۸	۰/۴۸۶
پسیکوپاتی	۱۶/۴۰۷	۰/۰۰۱	۲/۰۱۳	۱۹۸	۰/۰۴۶*

بحث

در این پژوهش چهار سؤال مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب به آنها پرداخته می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شیوه دلبستگی «امن» فراوان‌ترین شیوه دلبستگی در دختران و پسران دانشجوی ایرانی است و پس از آن به ترتیب شیوه‌های دلبستگی بی‌اعتنا و ترسو قرار دارد، و شیوه دلبستگی نگران کمتر از سایر شیوه‌های دلبستگی جمعیت مورد مطالعه گزارش شده است. شایع‌تر بودن دلبستگی امن، در مقایسه با سایر شیوه‌های دلبستگی، با یافته‌های پژوهش‌های قبلی همسو است که نشان داده‌اند این شیوه فراوان‌ترین شکل دلبستگی والد - کودک در فرهنگ‌های مختلف است (اشمیت و همکاران، در حال چاپ). این طرز فکر که بیشتر کودکان شیوه دلبستگی امن را بروز می‌دهند، فرضیه «بهنجاری» نامیده شده است و یک فرضیه محوری در نظریه دلبستگی محسوب می‌شود (روت-بام^۱، ویز^۲، پوت^۳، می‌یاکه^۴ و مرلی^۵، ۲۰۰۰). از نظر تجربی، دلبستگی امن والد-کودک رایج‌ترین شکل دلبستگی در فرهنگ‌های غربی است و مطالعات متعدد این نوع دلبستگی را در فرهنگ‌های غیر غربی مانند اوگاندا (۵۷ درصد)، چین (۶۸ درصد) و ژاپن (۶۸ درصد) نیز به اثبات رسانده‌اند. پژوهش حاضر نیز که در جمعیت غیر غربی انجام شده، فرضیه بالا را تأیید می‌کند. اشاره منطقی فرضیه بهنجاری در ترکیب با این فرضیه که شیوه‌های دلبستگی به طور منطقی در طول زمان ثابت می‌مانند، این است که شکل امن دلبستگی رومانیتیک بزرگسالی باید رایج‌ترین شکل دلبستگی بزرگسالان در همه فرهنگ‌ها باشد. به طور کلی، افراد دارای شیوه‌های دلبستگی امن، تعارض کمتر، رضایت بیشتر، ثبات بیشتر و روابط رومانیتیک طولانی‌تری را تجربه می‌کنند. از دیدگاه مدل‌های کارآمد درونی، منطق این الگو این است که افراد امن (افراد دارای مدل‌های مثبت‌تر از خود و دیگران) برای خود ارزش بالاتری قائل‌اند، نسبت به طرد کمتر حساسیت نشان می‌دهند، برای دیگران ارزش بیشتری قائل‌اند و از وابستگی به دیگران احساس راحتی بیشتری می‌کنند (گریفین^۶ و بارتولومئو، ۱۹۹۴؛ برنان^۷ و

شور^۸، ۱۹۹۵). اشمیت و همکاران (۲۰۰۴) دلبستگی رومانیتیک امن امن را در ۷۹ درصد از فرهنگ‌های مورد مطالعه در پروژه بین-المللی توصیف سکسوالیته به عنوان بیشترین شکل دلبستگی رومانیتیک یافتند که باعث می‌شود این شیوه دلبستگی واجد شرایط یک شیوه تقریباً جهانی در روان‌شناسی انسان شود. با وجود این، دلبستگی امن در همه فرهنگ‌های مورد بررسی به عنوان بیشترین شکل دلبستگی رومانیتیک درجه‌بندی نشده است. یافته‌های اشمیت و همکاران نشان داده است که در فرهنگ‌های آسیای شرقی به طور خاص شیوع شیوه دلبستگی «نگران» بالاتر است. مثلاً در ژاپن و تایوان، سطوح دلبستگی رومانیتیک امن پایین‌تر از سطوح دلبستگی رومانیتیک نگران است. در اروپای غربی و اقیانوسیه، متوسط نمره مدل «دیگران» زیر صفر است که نشان می‌دهد مردم این نواحی نوعاً «جهت‌گیری» رومانیتیک بی‌اعتنا را ظاهر می‌کنند. این احتمال وجود دارد که عوامل مشترک مذهبی، سیاسی یا اقتصادی در انحرافات الگویی از دلبستگی امن نقش بازی کنند و بالاتر بودن شیوه دلبستگی نگران در فرهنگ‌های آسیای شرقی انعکاس این واقعیت باشد که بسیاری از مردم این فرهنگ‌ها مایل-اند که در مورد خود اساساً بر حسب همبستگی بین فردی و ارزشی که برای «دیگران» قائل می‌شوند، قضاوت کنند. یافته اشمیت (۲۰۰۳) مبنی بر این که دلبستگی نگران با میزان بالای اعتقادات اشتراکی همبودی دارد، حمایت بیشتری از این ایده فراهم می‌کند.

نتایج ما درباره رابطه شیوه‌های دلبستگی با مدل‌های «خود» و «دیگران»، متناسب با یافته‌های همبستگی ۶۲ ناحیه فرهنگی مورد مطالعه اشمیت و همکاران، نشان می‌دهد که از نظر روان‌سنجی مقیاس‌های مدل «خود» و مدل «دیگران» پرسشنامه ارتباط در اکثر فرهنگ‌ها (برای مثال فرهنگ ایران) معتبر است. همین طور، یافته‌های پژوهش حاضر نشان‌دهنده غلبه مدل «خود» بر مدل «دیگران» است. بر اساس نظر بالبی، تجارب دلبستگی اولیه با تأثیرگذاری بر احساسات بنیادین اطمینان، ارزشمندی و اعتماد بین فردی کودکان پایگاه هیجانی امنی برای آنها فراهم می‌کند. تجارب کودکی که شامل

1- Rothbaum
3- Pott
5- Morreli
7- Brennan

2- Weisz
4- Miyake
6- Griffin
8- Shaver

مراقبت پاسخ‌گو، حمایتی و مداوم است، کودکان را با یک حس پایدار ارزشمندی خود بالا و احساس راحتی درباره وابستگی به دیگران باقی می‌گذارد. این افکار و احساسات نهایتاً در مدل‌های کارآمد درونی بنیادی یا نگرش‌های شناختی - هیجانی متبلور می‌شود که با اطمینان بیان می‌کنند که «خود» ارزشمند و دوست‌داشتنی است (یعنی کودکان درباره مدل «خود» نگرش مثبت پیدا می‌کنند) و «دیگران» ارزشمند و قابل احترام‌اند (یعنی کودکان درباره مدل «دیگران» نگرش مثبت ظاهر می‌کنند). این مدل‌های کارآمد درونی در نهایت بخش‌های پایدار شخصیت اصلی کودک می‌شوند. با توجه به نقش مهمی که فرهنگ در رشد دوران کودکی، نگرش به «خود» و «دیگران» و پویایی‌های ارتباط رومانتیک بازی می‌کند، به نظر می‌رسد دست کم قسمتی از مدل‌های کارآمد درونی دلبستگی رومانتیک تحت تأثیر فرهنگ یا به وسیله آن تعدیل شده باشد. با وجود این، هنوز مشخص نیست که آیا می‌توان مدل‌های «خود» و «دیگران» را در اشکال فرهنگی متنوع درست و صحیح ارزیابی نمود یا نه. به این دلیل که تحقیقات بسیار کمی به طور همزمان به شیوه‌های دلبستگی رومانتیک در بیش از دو فرهنگ پرداخته‌اند و تا جایی که ما می‌دانیم، هیچ مطالعه‌ای دیدگاه دوعاملی دلبستگی رومانتیک (بر اساس مدل‌های «خود» و «دیگران») را در فرهنگ‌های متنوع غیرغربی بررسی نکرده است.

نتایج به دست آمده درباره رابطه شیوه‌های دلبستگی با صفات شخصیتی تیره (خودشیفته، ماکیاولی و سایکوپات) بین شیوه شخصیتی امن و بی‌اعتنا با صفات شخصیتی تیره همبستگی معناداری نشان نداد. فقدان ارتباط بین شیوه دلبستگی امن با صفات شخصیتی تیره یک یافته منطقی، قابل پیش‌بینی و جهانی است، اما فقدان همبستگی بین شیوه دلبستگی بی‌اعتنا و صفات شخصیتی تیره (به ویژه ماکیاولیسم) یافته‌ای مغایر با نتایج سایر مطالعات است. به طور کلی، بین صفات شخصیتی ضداجتماعی، ماکیاولیسم و سکسوالیته فاقد عاطفه، رابطه مثبتی یافت شده است (مک‌هوسکی^۱، ۲۰۰۱). یعنی هرچه یک فرد «ماکیاولی» تر باشد، احتمال بیشتری دارد که نسبت به روابط رومانتیک غیرعاطفی نگرش مثبت داشته باشد و روابط عاطفی کوتاه‌مدت تر برقرار کند.

با وجود این، ارتباط بین طیف کامل نگرش‌ها و رفتارهای جنسی غیرعاطفی هرگز به طور کامل ارزیابی نشده است و مشخص نیست که صفات وابسته به برون‌گرایی مانند خطر جویی (که اساساً در خودشیفته‌ها و سایکوپات‌ها یافته شده است) و اعمال غیراخلاقی، کنترل ضعیف ایگو و سایر مشخصه‌های وجدان ضعیف (که با ماکیاولیسم و سایکوپاتی ارتباط نزدیک دارد) به سکسوالیته غیرعاطفی منتهی می‌شود؛ یا صفت بی‌اعتمادی در روابط بین فردی، که زیربنای سه عضو مثلث تیره را تشکیل می‌دهد، بهترین پیش‌بینی کننده سکسوالیته غیرعاطفی باشد. یافته‌های مطالعات بین-فرهنگی اشمیت (۲۰۰۳) درباره صفات شخصیتی و شیوه‌های دلبستگی این انتظار را به وجود می‌آورد که شاخص‌هایی از صفات شخصیتی تیره که با برون‌گرایی و مقبولیت ارتباط دارند، بیشترین همبستگی را با سکسوالیته غیرعاطفی و دلبستگی بی‌اعتنا در مردان و زنان نشان دهند. به ویژه، جنبه‌های استعمارکننده، برحق بودن، برتری طلبی، جاه‌طلبی و تحسین خود که در شخصیت خودشیفته مشاهده می‌شود؛ جنبه‌های عدم اعتماد به دیگران و تزویر ماکیاولیسم؛ و خصوصیات تکانشگری، خطر جویی، سردی در روابط بین فردی و عاطفه سطحی سایکوپاتی همگی باید با نگرش‌ها و سکسوالیته غیرعاطفی همبستگی مثبت داشته باشند که این فرضیه در پژوهش حاضر پشتیبان تجربی پیدا نکرد و رابطه معناداری بین شیوه دلبستگی بی‌اعتنا و صفات شخصیتی تیره شخصیت در جمعیت دانشجویی ایرانی مشاهده نشد.

آخرین هدف پژوهش حاضر، مقایسه صفات تیره شخصیت برحسب جنسیت بود. زنان نمونه ما به وضوح دارای صفات خودشیفتگی بیشتر از مردان، و مردان نمونه دارای خصوصیات سایکوپاتی (غیربالینی) بیشتر از زنان بودند. یافته اخیر از یک سو متناسب با مدل رشدی مالا موت^۲ (۱۹۹۸) به نقل از اشمیت و باس^۳، (۲۰۰۱)، یافته‌های ویلیامز و پال‌هاس (۲۰۰۴) و فاین‌گولد^۴ (۱۹۹۴) است که فراوانی بیشتر سایکوپاتی را در مردان نشان می‌دهد، و از سوی دیگر با یافته‌های استراک^۵ (۱۹۹۱) و کینگ^۶ (۱۹۹۸)

1- McHoskey
3- Buss
5- Strack

2- Malamuth
4- Feingold
6- King

همخوانی دارد که فراوانی زیاد صفات خودشیفتگی و سایکوپاتی غیربالینی را در دانشجویان پزشکی نشان داده‌اند. با وجود این، سه عضو مثلث تیره شخصیتی از وجه نظری یک ساختار شخصیتی واحد را تشکیل می‌دهند و انتظار می‌رود در صورت وجود تفاوت معنادار بین زنان و مردان، این تفاوت به طور یکنواخت در هر سه صفت دیده شود که با توجه به بالا بودن معنادار نمرات خودشیفتگی، زنان در مقایسه با مردان، عضویت صفت شخصیتی خودشیفته در ساختار مثلث تیره مورد تردید قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این یافته‌های متناقض، به کارگیری سه مقیاس جداگانه برای سنجش مثلث تیره شخصیتی باشد و استفاده از مقیاسی که حاوی سؤال‌هایی برای سنجش ویژگی‌های مشترک هر سه صفت شخصیتی در یک ابزار واحد، نتایج متقاعدکننده‌تری به دست بدهد، به ویژه که تحقیقات قبلی بین مقیاس ماک چهار با مقیاس سایکوپاتی و پرسشنامه شخصیتی خودشیفته (که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند)، همپوشی قابل ملاحظه نشان داده‌اند. اما شواهد پژوهشی درباره ارتباط بین مقیاس سایکوپاتی و مقیاس خودشیفتگی، مقیاس سایکوپاتی را به عنوان یک مقیاس مستقل سایکوپاتی غیربالینی در جمعیت عادی یافته است که با مقیاس خودشیفتگی همبستگی معنادار ندارد. با وجود این، فراوانی بالاتر صفات خودشیفتگی در زنان پژوهش ما یافته‌ای است که می‌بایست در پژوهش‌های آینده با به کارگیری دانشجویان رشته‌های غیرپزشکی مجدداً ارزیابی شود.

پیشنهادها

همه تحقیقاتی که در آنها از مقیاس‌های خودگزارشی استفاده شده است، از بسیاری جهات محدودیت دارند که ضرورت احتیاط را در تعبیر و تفسیر نتایج ایجاب می‌کنند. مقیاس خودگزارشی دلبستگی رومانیتیک در پژوهش ما فقط شامل چهار مقیاس درجه‌بندی بود و هر شکل دلبستگی رومانیتیک به وسیله پاسخ به یک ماده، مورد قضاوت قرار گرفته بود. با وجودی که پرسشنامه ارتباط چهارماده‌ای در تحقیقات قبلی رضایت‌بخش یافته شده و در مقایسه با سایر مقیاس‌های دلبستگی، مستقل از سوگیری‌های

پاسخی است، با وجود این به عقیده ما استفاده از پرسشنامه ارتباط یافته‌های ما را غیرقطعی و آزمایشی جلوه می‌دهد که این استفاده از مقیاس‌های چندماده‌ای دلبستگی رومانیتیک بزرگسالی را، در تحقیقات بین فردی آینده، ضروری می‌سازد. به علاوه، مشخص نیست که آیا مقیاس‌های مورد استفاده در این پژوهش، به ویژه مقیاس‌های دلبستگی رومانیتیک و صفات شخصیتی، ساختارهای مشابهی را در فرهنگ‌های مختلف می‌سنجد و آیا دلبستگی کودکی واقعاً پیش‌درآمد دلبستگی رومانیتیک بزرگسالی است؟ بنابر این، پژوهشگران نبایست فقط براساس اطلاعات خودگزارشی محدودی که در این پژوهش به دست آمده، درباره روان‌شناسی دلبستگی رومانیتیک نواحی فرهنگی یا ملل مختلف نتیجه‌گیری‌های آشکارا گسترده یا کلی به عمل آورند.

استفاده از روش نمونه‌گیری آسان و آزمودنی‌های صرفاً دانشجوی به جای روش‌های نمونه‌گیری پیچیده‌تر و نمونه‌هایی که نماینده کل جامعه باشند، محدودیت دیگر پژوهش ما بود که استفاده از روش‌های آماری پیچیده‌تر و نمونه‌های نماینده کل جامعه گام منطقی بعدی برای تعمیم نتایج این پژوهش به همه قشرهای جامعه خواهد بود.

سپاسگزاری

بدین وسیله از کلیه دانشجویان گروه ۲۱ کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی انستیتو روان‌پزشکی تهران که در جمع‌آوری داده‌ها کمک‌های شایانی کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

این مقاله بخشی از یافته‌های طرح پژوهشی پایان‌یافته «فراوانی و نوع شیوه‌های دلبستگی و ارتباط آن با مدل‌های «خود» و «دیگران»، و صفات شخصیتی در دانشجویان علوم پزشکی» مصوب مرکز تحقیقات بهداشت روان انستیتو روان‌پزشکی تهران در بهمن ۸۶ است.

منابع

- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M., (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Brennan, K. A., & Shaver, P. R. (1995). Dimensions of adult attachment, affect regulation, and romantic relationship functioning. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, 267-283.
- Craig, R. J. (1993). *Psychological assessment with the Millon Clinical Multiaxial Inventory II: An interpretive guide*. Florida: Psychological Assessment Resource.
- Feingold, A. (1994). Gender differences in personality: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 116, 429-456.
- Griffin, D., & Bartholomew, K. (1994). Models of self and other: Fundamental dimensions underlying measures of adult attachment. *Journal of Personality and social psychology*, 67, 430-445.
- Jakobwitz, S., & Egan, V. (2006). The dark triad and normal personality traits. *Personality and individual Differences*, 40, 331-339.
- King, A. R. (1998). Relations between MCMI-II personality variables and measures of academic performance. *Journal of Personality Assessment*, 71, 253-268.
- Liebert, R. M., & Liebert, L. L. (1998). *Liebert and Spiegler's personality, strategies and issues*. Pacific Grove, CA: Brooks/Cole publishing Company.
- McHoskey, J. W. (2001). Machiavellianism and sexuality: On the moderating role of biological sex. *Personality and Individual Differences*, 31, 779-789.
- Raskin, R. N., & Hall C. S. (1979). A narcissistic personality inventory. *Psychological Reports*, 45, 590.
- Rothbaum, R., Weisz, J., Pott, M., Miyake, K., & Morreli, G. (2000). Attachment and culture: Security in Japan and the U.S. *American Psychologist*, 55, 1093-1104.
- Schmitt, D. P., Alcalay, L., Allensworth, M., Allik, J., Ault, L., Austers, M., Bennett, K, L., Bianchi, G., Boholst, F., Borg Cunen, M. N., Braeckman, J., Brainerd, E. G., & Caral, L. G. L. (2004). Patterns and universals of adult romantic attachment across 62 cultural regions: Are models of self and other pancultural constructs? *Journal of Cross-Cultural psychology*, 35, 367-402.
- Schmitt, D. P. (2003). Is short- term mating the result of insecure attachment? A test of competing evolutionary perspectives. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 747-768.
- Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2001). Human mate poaching: Tactics and temptations for infiltrating existing mateships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 894-917.
- Strack, S. (1991). Factor analysis of MCMI-II and PACL basic personality scales in College sample. *Journal of Personality Assessment*, 57, 345-355.
- Sumer, N., & Gungor, D. (1999). Psychometric evaluation of adult attachment measure in Turkish samples and a cross-cultural comparison. *Turkish Journal of Psychology*, 14, 71-109.
- Williams, K. M., & Paulhus, D. L. (2004). Factor structure of the Self-report Psychopathy Scale (SRP-II) in non-forensic samples. *Personality and Individual Differences* 37, 765-778.
- Sibley, C. G. (2007). The association between working models of attachment and Personality: Toward an integrative framework operationalizing global relational Models. *Journal of Research in Personality*, 41, 90-109.
- Kirkpatrick, L. A., & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender and relationship Stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 502-512.